

بربنای قوانین باشد. کاربران باید دقت کنند که انتشار و بازنشر هرگونه محتوا به منظور تشویق، تحریک یا ترغیب در خصوص کاهش و تحریم مشارکت، دارای معاذیر قانونی و جرم است. همچنین دعوت به تجمع و تحصن با هر اقدامی که اخلاص در انتخابات را به همراه داشته باشد و در فضای سایبر انجام شود، جرم محسوب می شود. وی اضافه کرد: بازنشر و انتشار یک سری نظرسنجی ها یا نظرسازی کاذب که از مجاری غیررسمی انعکاس پیدا می کند و مبدأ آن مشخص نیست، در خصوص انتخابات یا نامزدهای انتخاباتی و یا انتشار مطالب علیه نامزدهای انتخاباتی تخریب

هشدار پلیس درباره نظرسنجی های انتخاباتی

رئیس پلیس فتای فراجا گفت: بازنشر و انتشار نظرسنجی ها یا نظرسازی کاذب که از مجاری غیررسمی انعکاس پیدا می کند و مبدأ آن مشخص نیست، در خصوص انتخابات یا نامزدهای انتخاباتی یا انتشار مطالب علیه نامزدها جرم است.

سردار وحید مجید در یک برنامه رادیویی اظهار کرد: ما با یکی از بزرگ ترین رویدادهای جمهوری اسلامی روبه رو هستیم و این حماسه، مکمل حماسه پرشور و بی نظیر در بدرقه شهدای خدمت خواهد بود. وی تصریح کرد: تنظیم فعالیت کاربران باید

وحید اخباری به اتهام قتل پدرزن و همسرش و همین طور مجروح کردن مادرزنش دستگیر شده است. یک لحظه عصبانیت از او قاتلی ساخت که فقط به کشتن فکر می کرد و آتشی که به جاناش افتاده بود با انتقام خاموش می شد. بعد از قتل، مدتی فراری بود تا این که ماموران او را در مخفیگاهش دستگیر کردند و در تحقیقات راز این جنایت فاش شد. این هفته روایتگر صحبت های مرد جوان از این جنایت هولناک هستیم.

چند سال داری؟

۳۷ سال.

تحصیلات؟

مهندس هستم و در یک شرکت مرتبط با رشته ام کار می کنم.

سابقه داری؟

نه. حتی به عنوان شاکی هم تابه حال به کلانتری نرفته بودم اما حالا به اتهام قتل دو نفر دستگیر شده و لب تیغ هستم.

چند سال قبل ازدواج کردی؟

دقیقا هفت سال قبل.

دلیل اختلاف تان چه بود؟

من و شیما در دانشگاه آشنا شدیم. هم رشته بودیم و از درس خوان های کلاس. ابتدا درباره مباحث درسی صحبت می کردیم اما بعد از مدتی



منتظر روز اجرای قصاص هستم

تابع نظر آنها است. او هرکاری می خواستیم انجام دهیم از پدر و مادرش مشورت می گرفت و اگر آنها مخالفت می کردند، اجازه نمی داد آن کار انجام شود. حتی با اصرار آنها بچه دار شدیم. سعی می کردم این موضوع را در زندگی مدیریت کنم و فکر می کردم بعد از تولد فرزندمان، همسرم بیشتر به استقلال خودش فکر می کند اما فایده ای نداشت و دخالت های شان به تربیت بچه هم کشیده شد. چند باری سر این موضوع دعوا کردیم

به هم وابسته شدیم. بعد از این که لیسانس گرفتیم، در یک شرکت مشغول به کار شدم و به خواستگاری او رفتم. آن زمان عاشق بودم و واقعیت ها را نمی دیدم. فقط برایم مهم این بود بله را بگیرم و زودتر زیر یک سقف برویم. خلاصه با کمک پدرم مراسم عروسی را برگزار کرده، خانه ای در نزدیکی خانه پدرزنم اجاره کردیم. از آنجا اختلاف ما آغاز شد. پیش از این دخالت های آنها را در زندگی نمی دیدم اما بعد از ازدواج فهمیدم همسر

که آخرین بار همسرم وسایلش را جمع کرد و به خانه پدرش رفت.

برای آتشی کاری نکردی؟

چند بار مقابل خانه پدرزنم رفتم اما در را به رویم باز نکردند. چند روز بعد متوجه شدم مهریه اش را اجرا گذاشته و درخواست طلاق کرده. مطمئن بودم که تحت تاثیر حرف های خانواده اش این کار را کرده است. عصبانی شدم، چاقویی برداشته و به مقابل خانه پدرزنم رفتم. منتظر ماندم تا وقتی قصد ورود یا خروج از خانه را داشتند، وارد خانه شوم. پدرزنم در را باز کرد تا برای خرید بیرون برود که به زور او را به داخل هل داده و در راه پله با چاقو او را زد. بعد وارد خانه شده و مادرزنم را مقابل در ورودی خانه و همسرم را در اتاق خواب با چاقو زد. بعد هم از خانه بیرون رفتم.

کج رفتی؟

چند ساعتی در خیابان پرسه زدم. بعد برادرم زنگ زد و خبر داد پدرزن و همسرم کشته شده اند و پلیس در تعقیب است. به سمت ترمینال رفتم و برای یکی از شهرهای جنوبی کشور بلیط گرفتم. فقط می خواستیم از تهران دور شوم. در میان راه ماموران ردم را زدند و دستگیر شدم.

پشیمانی؟

باور کنید یک لحظه عصبانیت از من قاتل ساخت. الان پشیمانم اما فایده ای ندارد و منتظر روز اجرای حکم قصاصم هستم.

ماشین دزدی برای زورگیری از عابران

سارقانی مسلح و خطرناک هستند. خودشان می گویند برای تهدید اسلحه حمل می کردند اما کلکسیونری از جرایم را در پرونده دارند و در سه استان البرز، قزوین و تهران دست به سرقت می زنند. در ادامه گفت و گو با سرکرده این باند سارقان مسلح را می خوانید.

سرقت مسلحانه و سرقت خودرو. دو جرم راهمزمان

مرتکب شدی؟

خودروها را سرقت می کردیم تا با تغییر پلاک و نوع خودرو بتوانیم افراد را به عنوان مسافر سوار و مسلحانه از آنها اخاذی کنیم.

بیشتر توضیح بده

ما در تهران، قزوین و البرز پس از سرقت خودروهای پژو و پراید را به مخفیگاه مان می بردیم و پلاک ها را جابه جا می کردیم تا شناسایی نشویم. بعد هم با خودروهای دزدی از مسافران سرقت مسلحانه می کردیم.

چند خودرو سرقت کردید؟

۹ خودرو در سه استان.

همدست داری؟

سه نفر که از دوستانم هستند. با هم در زندان یا محله آشنا شدیم و تصمیم گرفتیم باند سرقت

تشکیل دهیم.

سابقه داری؟

چند فقره سابقه سرقت و زورگیری با سلاح سرد دارم.

بعد از سرقت، خودروها را چه می کردید؟

به یک مالخر می فروختیم که ردی از ما باقی نماند.

پس چرا از مخفیگاه تان ۹ خودرو کشف شد؟

اینها را تازه سرقت کرده بودیم، قبلی ها را بعد از یکی دو سرقت مسلحانه رد می کردیم تا دردسر نشود. اینها را هم قرار بود به مالخر بدهیم که دستگیر شدیم.

متاهلی؟

شناسنامه ای بله. زن و بچه ام وقتی داخل خلاف افتادم، مرا ترک کردند.

اسلحه را از کجا آوردید؟

۳۰ میلیون دادیم و اسلحه و چندین فشنگ

خریدیم. اسلحه را شریکی خریدیم.

بیشتر کجا

سرقت می کردید؟

داخل استان البرز و

بین شهرها بیشتر

سازوجیلا، البته در

کرج و فردیس هم

سرقت داشتیم.

کجا دستگیر شدید؟

بعد از سرقت همگی

رفتیم خانه من در

شهر مهستان که

نیمه شب پلیس بالای

سرمای آمد و دستگیر

شدیم.



از سرقت های مسلحانه چیزی نگفتی.

با خودروهای سرقتی پلاک تعویضی، در سطح شهر سازوجیلا می چرخیدیم و اگر سوژه مناسبی می دیدیم به عنوان مسافر سوار می کردیم. بعد با تهدید اسلحه حسابش را خالی می کردیم. مواقعی هم که امکان سوار کردن طعمه نبود، در مناطق خلوت از ماشین پیاده می شدیم و با تهدید اسلحه و ضرب و شتم او اموال با ارزش طعمه را سرقت می کردیم.

چند فقره اخاذی انجام دادید؟

زیاد بود، تعدادش یادم نیست.

چقدر گریز آمد؟

۹۰ میلیون تومان.

ارزشش را داشت؟

خیر، ولی از بی پولی خسته شده بودم. سرقت تنها کار و راه ماست.